



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن

عنوان:

رفتارشناسی خواص در تحولات اجتماعی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه

استاد راهنما:

دکتر محمد هادی مفتاح

استاد مشاور:

دکتر محمد جواد نجفی

نگارنده:

عبدالخالق سعیدی ابواسحاقی

زمستان / ۱۳۹۰

چکیده

از جمله موضوعات مهم: «رفتار شناسی خواص و نقش آن‌ها در تحولات اجتماعی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه» است که اهمیتی فوق العاده برای تمام زمانها و مکانها دارد. از دستاوردهای این تحقیق این است که خواص حق مدار جامعه را به سوی حق و خواص اهل باطل جامعه را به غیر حق رهنمون شده اند به گونه ای که در گزارشات قرآنی و نهج البلاغه از خواص، این گونه تحولات کاملاً پدیدار است و آن قدر نقش آنها مهم بوده که برای هدایت جامعه و اصلاح رفتار اجتماعی این موضوع تشریح شده است. هیچ گاه قرآن و نهج البلاغه، خواص و شخصیت‌ها را محور حق ندانسته بلکه حق را معیار سنجش خواص می‌دانند. مهمترین نتیجه این تحقیق این است که خداوند وعده نداده افرادی که در طریق حق و حامی و مبلغ آن هستند همیشه به همان حال نگه دارد؛ بلکه دائماً با امتحانات گوناگون آنان را آزمایش می‌کند، و به تعبیر نهج البلاغه ابتلا و غربل الهی همیشه جریان دارد، اگر سربلند بیرون آیند خداوند بر هدایت شان می‌افزاید و درک صحیح تشخیص حق از باطل را بدانها عطا می‌کند. ولی اگر نتوانستند موفق شوند و از راه حق منحرف شدند، از جایگاه خود سقوط می‌کنند؛ ممکن است کسی زمانی جز خواص اهل حق باشد و زمانی دی‌گر به جمع خواص منحرف در آید. در تحقیق حاضر به موضوعات ذیل پرداخته شده است: نخست به تعریف کلیات و واژگان و کلیات شامل: انواع نخبگان، عوامل موثر بر رفتار و مبنای رفتار، اهمیت رفتار خواص از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه و معرفی کلی اختصاص یافته است. در ادامه به بررسی عملکرد خواص، وظایف، معیار بودن یا نبودن آنها و نتیجه عملکرد خواص در قرآن پرداخته است. و در پایان به ویژگی‌های خواص اهل حق و باطل، آسیب خواص و معیار بودن یا نبودن خواص و نتیجه عملکرد نادرست آنان مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژگان: رفتار شناسی، خواص، تحولات اجتماعی

تقدیم به:

پیشگاه باعظمت حضرت معصومه سلام الله علیها، شهدای انقلاب
اسلامی، تمامی پویندگان طریقت و معرفت

مقدمه

(طرح تحقیق)

مقدمه

افراد جامعه را به شیوه های گوناگونی می توان تقسیم یا طبقه بندی کرد. این تنوع، از مباحث مختلفی سرچشمه می گیرد که برای تقسیم بندی به کار می رود. تقسیم بندی جامعه به دو گروه عوام و خواص، از جمله تقسیم بندی های رایج و مشهور است. و در طول تاریخ و فرهنگ های گوناگون بشری، ملاک های متفاوتی برای این تمایز طرح شده است؛ در هر اجتماعی، گروهی از افراد نسبت به عموم افراد جامعه دارای برتری هائی هستند و از گروه های مرجع محسوب می شوند. این برتری ها یا از حیث علمی و یا مالی، و یا خانوادگی، و یا سایر اعتبارات اجتماعی است. این افراد، که در برابر سایرین، «خواص» در برابر «عوام» نامیده می شوند در کنش ها و واکنش های اجتماعی نقش مؤثر دارند، که در بخش تعریف اصطلاحات به طور خلاصه بدان اشاره می شود. در این تحقیق دیدگاه قرآن و نهج البلاغه ملاک قرار گرفته است.

۱. تعریف مسأله و بیان سؤال های اصلی تحقیق:

مهمترین مسأله ای که قرار است در این تحقیق انجام شود، بررسی عملکرد خواص در تحولات اجتماعی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه است؛ در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که عملکرد خواص در آنها بچیدار است البته نه با نام خواص، بلکه مستکبرینی در قالب "ملا" (چشمگیرها، آنانی که حشمت و جلال و شکوه و کبریایشان چشم را خیره می کند) و "مترفین" (عیاشان و رفاه طلبان بی درد) و ربانی (راهب ها و کشیشها) احبار (دانشمندان و خاخام ها)، کبراء و سادات مطرح شده اند.

در نهج البلاغه نیز ماجراهای زیادی وجود دارد که عملکرد خواص را تبیین می کند؛ نمونه بارز آن در نامه ۵۳ نهج البلاغه امام علی (علیه السلام) خطاب به مالک اشتر می فرماید: «مبادا به خاطر راضی نمودن خواص از طبقه عامه مردم بگذری، زیرا خواص تو را هن گلم بحرانها تنها می گذارند و همیشه توقعشان بالاتر است؛ ولی عامه بی توقع می توانند هنگام بحران معین و پشتیبان حاکم باشند»^۱. در کل خواص با توجه به داشتن خصوصیت بارزی اعم از موقعیت مالی، اجتماعی و سیاسی و ... توانسته اند در جوامع تحول ایجاد نمایند. و در موضعگیری به دو دسته اهل حق و اهل باطل تقسیم می شوند. مواضع اهل باطل مشخص است ولی موضع اهل حق

^۱ محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه امام علی (علیه السلام)، چاپ اول (قم: موسسه انتشارات مشهور، ۱۳۷۹)

است که اگر به جا و به موقع انجام ندهند یا انجام دهند می توانند روند کلی یک جامعه را عوض کنند. برای تشریح این موضوع، می توان "سامری" رادر قرآن نام برد که به بصیرتی رسید که دیگوان نرسیدند "بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا"^۱ منتها در غیاب حضرت موسی (علیه السلام) منحرف شد و مسیر جامعه را از یکتا برستی به گوساله برستی سوق داد.

از نمونه های صدر اسلام شاید بتوان زیر که توسط پلمبر (صلی الله علیه آله وسلم) لقب "سیف الاسلام وحواری امت" وطلحه که لقب "طلحه الخیر" دریافت کرده بودند و عایشه "ام المومنین" را نام برد. این سه نفر عامل بوجود آمدن جنگ جمل شدند و اولین جنگ "مسلمان کشی" را برپا نمودند.

البته برعکس خواص اهل حق هم بودند مثل ابوذر که زمان خلفای سه گانه می گشت و مواضع پلمبر را اعلام می نمود و سرانجام با تبعید او را به شهادت رسانیدند یا عمار یاسر که روشنگری بسیار خوبی در جنگ جمل وصفین داشته است و در این راه به شهادت رسید و مثالهای دیگری که در تحقیق به آنها پرداخته خواهد شد. سپس با تبیین رفتار خواص و بایدها و نبایدها در این رفتارها به نتایج اصلی تحقیق دست پیدا خواهیم کرد.

۲. سؤال اصلی تحقیق

رفتار خواص در تحولات اجتماعی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه چگونه است؟

سؤالات فرعی

- ۱- آیا اصلا خواص در تحولات اجتماعی نقش داشته اند؟
- ۲- میزان نقش خواص در جامعه اسلامی چقدر است؟
- ۳- علت لغزش خواص چه چیزهایی بوده یا می تواند داشته باشد؟
- ۴- رویکرد قرآن و نهج البلاغه به خواص چگونه است؟
- ۵- آیا قرآن و نهج البلاغه رفتار خواص را معیار حق و باطل می دانند؟

^۱ سوره طه، آیه ۹۶

۳. ضرورت انجام تحقیق

با توجه به اینکه از دیدگاه محقق این موضوع مهم است و لازم است تا با شناسایی رفتار خواص و آنگه سازی عوام، از آفات و آسیبهای جامعه اسلامی بکاهیم، ضرورت دارد تحقیق منسجمی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه صورت پذیرد.

۴. سابقه و پیشینه تحقیق

بیشترین و مهمترین جایگاهی که این تحقیق پیشینه دارد در سخنرانی معروف به عبرتهای عاشورا حضرت آیت الله خامنه ای است. و در پی این سخنرانی، مقالاتی نوشته شد. البته با توجه به جستجوهای که با کلمات کلیدی این تحقیق به عمل آمد، پژوهش منسجمی در قرآن و نهج البلاغه صورت نگرفته است؛ به جز یک مورد پایان نامه کارشناسی ارشد در دانشکده اصول الدین قم با عنوان "سیمای مترفین در قرآن و نهج البلاغه" که پژوهشگر آن تحقیق، بیشتر در مورد ملأ و مترفینی که در دعوت انبیا خلل ایجاد می کردند بحث کرده و بیان ترفندهای آنان و توجه به عاقبت کار آنان را بیان نموده است؛ کتابی دیگر نیز با عنوان «رسالت خواص» از سید احمد خاتمی به چاپ رسیده که به صورت خاص در نهج البلاغه و قرآن نیست و تحلیل شخصیتها مورد بحث قرار نگرفته است. در صورتی که در این تحقیق مفصل تر رفتار خواص را بررسی خواهیم کرد. ان شاء الله

۵. فرضیه ها

۱- از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه خواص قشری اثرگذار در جامعه هستند و می توانند در جامعه تحول جدی ایجاد نمایند.

۲- در قرآن موضع گیری برخی خواص مثل سامری و سایر مواردی که باعث انحراف بنی اسرائیل از یکتا پرستی به گوساله پرستی شده با هدف عبرت و هدایت گزارش شده است. رفتار خواص صدر اسلام نیز که باعث بوجود آمدن شکاف عمیق مذهبی و شکل گیری دو مذهب شیعه و سنی شده است در نهج البلاغه گزارش شده است.

۳- در قرآن و نهج البلاغه آفاتی برای خواص ذکر شده است و از جمله آن می توان هوی پرستی، حسادت، ریاست طلبی و سلطه جویی، تعصب نابجا، کتمان حقیقت، عدم بصیرت و ظاهر بینی، دنیاگرایی، ساده لوحی، نفوذ اندیشه های بیگانه، کینه های شخصی خیانت در بیت المال، پر خوری از بیت المال، حق پوشی، سستی و خمودگی، فرار از حق،

دنیا پرستی، سکوت در مقابل معصیت الهی، زیاده خواهی، خدعه ونیرنگ، پیروی از شبهات، عدم پیروی از سنت پیامبر، بی بصیرتی، خودپسندی، بهانه گیری در دفاع از حق، تفرقه واختلاف، تشویش اذهان عمومی، شورش بر امام و بیعت شکنی، ملاحظات خویشاوندی وقومی و... را نام برد.

۴- رویکرد قرآن ونهج البلاغه به خواص، بیان عملکرد آنها برای هدایت دیگران است.

۵- شناخت حق برای سنجش رفتار خواص الزامی است.

۶. هدف ها و کاربردهای مورد انتظار از انجام تحقیق

۱- عبرت آموزی از رفتارهای نادرست خواص گذشته وبرنامه ریزی برای اصلاح رفتار

اجتماعی با استفاده از رهنمودهای قرآن ونهج البلاغه

۲- کاربردی نمودن تعالیم قرآنی ونهج البلاغه وگفتار سایر معصومین (علیهم السلام) در

جامعه اسلامی

لازم به ذکر است که در این تحقیق از پیامبران وائمه اطهار (علیهم السلام) وکسانی که با مکتب وحی در ارتباط بودند به عنوان «خواص» نام برده نشده، بلکه آنان به عنوان «اخص»، شانی بالاتر از خواص دارند که فراتر از این تحقیق است. درضمن ترجمه آیات از تفسیر نمونه مکارم شیرازی وترجمه فراهی نهج البلاغه از ترجمه محمد دشتی می باشد وجاهایی که احادیث ترجمه نداشته توسط محقق ترجمه صورت گرفته است.

نکته دیگر این که برخی موارد ذکر شده منحصر در خواص نیست وممکن است در

دیگران هم وجود داشته باشد.

فصل اول
کلیات (تعریف اصطلاحات، فرضیات)

بخش اول

۱- تعاریف اصطلاحات

۱-۱- تعریف لغوی

برای اینکه مفهوم دقیق عنوان تحقیق را بشناسیم لازم است ابتدا به تعاریف لغوی

واصطلاحی آن پردازیم:

۱-۱-۱- تحول: از جایی به جایی شدن || برگشتن از حالی به حال دیگر || حیل کردن به

احوال کسی^۱. || تغییر. و تحولات جمع تحول است.^۲

۱-۱-۲- اجتماع: گرد آمدن، تجمع، انجمن شدن || اتفاق کردن بر چیزی || نزدیکی جسمی به جسم

دیگر^۳. و اجتماعی منسوب به اجتماع. || کاری که به همگان بستگی داشته باشد، آنچه مربوط به

گروهی باشد که با هم زندگی می کنند^۴.

۱-۱-۳- خواص: جمع خاص یا خاصه، نزدیکان، ضد عام، ممتاز، بالاتر از جنس خود

|| یگانه، اعلا، بسیار خوب، شریف، برگزیده^۵

با توجه به اینکه این کلمه مترادف نخبه هم می باشد تعریف نخبه به شرح ذیل است:

۱-۱-۴- نخبه: برگزیده از هر چیزی، انتخاب شده، بهتر، مختار^۶. زبده، جمع نخب^۷.

۱-۱-۵- رفتار: حاصل بالمصدر رفتن و رفتار کردن، سلوک کردن، عمل کردن، پیش آمدن،

حرکت کردن، راه رفتن^۸. طرز حرکت، روش سیر^۹.

^۱ علی اکبر دهخدا، لغت نامه، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۹) جلد ۹ ص ۴۳۷

^۲ محمد معین، فرهنگ فارسی، چاپ چهاردهم، (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۸)، جلد ۱ ص ۱۰۴۳

^۳ همان، دهخدا، ج ۳، ص ۱۰۳۲

^۴ همان، معین، جلد ۱ ص ۱۴۶

^۵ همان، معین، جلد ۱ ص ۸۱۵

^۶ همان، دهخدا، ج ۱۲، ص ۵۴

^۷ همان، دهخدا، ج ۲۵، ص ۳۸۵

^۸ محمد معین، فرهنگ فارسی تک جلدی. تهران: انتشارات سرایش، چاپ چهاردهم، (۱۳۸۲) ص ۱۱۰۷

^۹ همان، دهخدا، ج ۱۴، ص ۵۳۴ و ۵۳۵

^{۱۰} همان، معین، جلد ۲ ص ۱۶۶۳

۱-۲- تعاریف اصطلاحی

۱-۲-۱- رفتار: ساده ترین تعریفی که از رفتار می توان به دست داد این است که گفته شود رفتار یعنی عملی که از فرد سر می زند یا سخنی که بر زبان می آورد.^۱ تعریف دوم رفتار عبارت است از روشی که فرد عمل می کند یا شیوه و سلوک برخورد و واکنشی که تحت شرایط مختلف فرد از خود نشان دهد؛ یا به جمیع فعالیت هایی که از موجود زنده سر می زند اطلاق می شود.^۲

۱-۲-۲- تحول اجتماعی:

معمولا تحولات اجتماعی را مجموعه ای از تغییرات می دانند که در طول یک دوره طولانی، طی یک یا شاید چند نسل در یک جامعه رخ میدهد؛ بنابراین این تحول اجتماعی بر اساس تعریف فوق مجموعه فرایندهایی است که در یک زمان کوتاه نمی توان آن را ملاحظه کرد. تحول اجتماعی را می توانیم به مثابه منظره واحدی بنامیم متشکل از توده ای از جزئیات که جز از ارتفاع زیاد قابل رویت نیست. در تحول اجتماعی در سیستم به گونه ای دگرگونی ایجاد می شود که تعادل موجود جای خود را به تعادل جدیدی می دهد. اشاره به این مطلب ضروری است که عمل عاملین تحول یا در محتوا و یا در آهنگ صورت می پذیرد، به این ترتیب که عده ای در نقش مبشرین ایده ها، نوآوری ها و ارزشهای جدید هستند. پس تحول از کنش تاریخی عده ای در درون یک جامعه معین صورت می گیرد.^۳

۱-۲-۳- نخبگان [خواص]

کسانی هستند که دارای خصوصیات استثنایی و منحصر به فرد بوده و یا دارای استعداد و قابلیت های عالی در زمینه کار خود و یا در بعضی فعالیتها باشد. «معادل لاتین آن واژه «الیت» بوده و به معنای نخبگان و سرآمدان یا همان خواص به کار می رود»^۴ این افراد نقش ممتازی در جامعه دارند و بر اثر خصوصیات ممتازشان صاحب قدرت و یا شخصیت می گردند.^۵ و در نتیجه قدرتی که به دست می آورند و تأثیری که بر جای می گذارند

^۱ علی اکبر سیف، تغییر رفتار و رفتار درمانی، چاپ پنجم، (تهران: نشر دوران، ۱۳۸۱) ص ۴۱

^۲ بهرام کارخانه ای، تحلیل رفتار مقابل، (تهران: انتشارات شهراب ۱۳۸۵) ص ۳

^۳ گی، روشه. تغییرات اجتماعی، (ترجمه منصور وثوقی)، چاپ هشتم، (تهران: نشرنی، ۱۳۶۶) ص ۳۱

^۴ حسین بشیریه، جامعه شناسی سیاسی (تهران: نشر نی، ۱۳۷۴) ص ۶۷

^۵ ر.ک. گی، روشه. تغییرات اجتماعی، (ترجمه منصور وثوقی)، چاپ هشتم، (تهران: نشرنی، ۱۳۶۶)، ص ۱۱۶

یا بوسیله تصمیماتی که اتخاذ می نمایند و یا بوسیله ایده ها، احساسات و هیجاناتی که بوجود می آورند، در کنش تاریخی جامعه موثر واقع می شوند. و اشخاص و گروهها وانجمنهای جامعه، از آن استقبال می کنند یا با آن به مخالفت برمی خیزند.^۱

موقعیت این افراد را اتوریته یا مرجعیت می گویند که عبارت است از شانس و موقعیتی مبتنی بر نظمی خاص با محتوای معین که باعث اطاعت گروهی از مردم می گردد.^۲

۱-۲-۳-۱- انواع گروهها یا اشخاص نخبه [خواص]^۳

۱-۲-۳-۱-۱- نخبگان سنتی و مذهبی

نخبگان سنتی کسانی هستند که از حاکمیت و یا نفوذی برخوردارند که ناشی از ساختهای اجتماعی، ایده ها و اعتقاداتی است که ریشه در گذشته دارند و مبتنی بر راه و رسم سنتی و طولانی اند.

۱-۲-۳-۱-۲- نخبگان تکنوکرات

این نخبگان کسانی هستند که منتسب به ساختار رسمی و اداری هستند. و اقتدار آنها بر اساس دوگانه ای استوار شده است: اول آن که این نخبگان بر اساس قوانین وضع شده، شناخته شده اند. دوم آن که این انتخاب به دلیل دارا بودن بعضی صلاحیتها و قابلیتها مبتنی بر ملاکهای مشخصی صورت گرفته است. این معمولاً به خاطر اقتدار و حاکمیتی که از آن برخوردارند می باشد.

۱-۲-۳-۱-۳- نخبگان اقتصادی

نخبگان اقتصادی به دلیل ثروت و اموالی که دارند از نوعی «قدرت» یا «اقتدار» برخوردار می شوند. اموال و ثروت آنان باعث تسلط آنان بر نیروی کاری می گردد که به خدمت گرفته اند. این قدرت به آنها امکان می دهد که بر سایر نخبگان تاثیر گذار باشند و در نتیجه برای خود قدرت اجتماعی کسب نمایند.

۱-۲-۳-۱-۴- نخبگان خارق العاده (کارزمایی)

نخبگانی هستند که معجزات یا خصوصیات خارق العاده به آنان نسبت می دهند. اقتدار این افراد به خاطر مقام یا اموال و ثروت نیست بلکه خاطر خصوصیات خارق العاده آنهاست که بر جامعه تاثیر گذارند.

^۱ ر.ک: همان، گی روشه، ص ۱۱۶

^۲ ر.ک: همان، گی روشه، ص ۱۰۰

^۳ ر.ک: همان، گی روشه، صص ۱۲۱-۱۲۳

۱-۲-۳-۱-۵-نخبگان ایدئولوژیکی

اشخاص و گروههایی هستند که در اطراف ایدئولوژی معینی متشکل گردیده یا در وجود آوردن ایدئولوژی خاصی سهیمند. هم چنین ما می توانیم اشخاص یا گروههایی را در این رده بندی قرار دهیم که ایدئولوژی مشخصی را اشاعه می دهند یا سخنگو و معرف آن هستند اینها همانند نخبگان کاریزمایی جزیی از قدرت نیستند، اینها می توانند نخبگان صاحب نفوذ ولی بدون اقتدار و حاکمیت رسمی باشند.

۱-۲-۳-۱-۶-نخبگان سمبولیک

نخبگانی هستند که دارای خصوصیت سمبولیک هستند؛ گروههای هنرمندان مردمی یا خوانندگان مردمی یا ورزشکاران را جزو این گروه به حساب می آورند. رفتارخواصی که در این تحقیق مورد بررسی قرار می گیرند معمولاً جزو گروههای اول سوم و پنجم هستند.

۱-۲-۴-۱-عوامل موثر بر رفتار

عوامل مختلفی بر رفتار افراد اثر می گذارد که مهمترین آنها انگیزه است؛ انگیزه علت رفتار فرد به شمار می آید که موجب فعالیت می گردد و جهت کلی رفتار فرد را تعیین می کند. انواع انگیزه را می توان به شرح ذیل نام برد:^۱

۱-۲-۴-۱-انگیزه های فیزیولوژیک: که معمولاً برای رفع و ارضای نیازهای بیولوژیک مثل گرسنگی ایجاد می شود.

۱-۲-۴-۲-انگیزه های اجتماعی: که معمولاً برای پذیرش فرد در اجتماع جهت کسب منزلت و مقام به کار بسته می شود.

۱-۲-۴-۳-انگیزه های روانی: تمایلات و انگیزه های شخصی و روحیات خاص علت ایجاد و انجام رفتاری خاص می شود.

انگیزه های عملکرد و رفتار خواص در این تحقیق درنوع دوم و سوم جای می گیرند.

^۱ . بهرام کارخانه ای، تحلیل رفتار مقابل، (تهران: انتشارات شهراب ۱۳۸۵)، ص ۳

۱-۲-۵- مبنای رفتار

مبنای رفتار فرد را می توان در چهار مولفه زیر بیان کرد:^۱

۱-۲-۵-۱- **تفکر:** به معنای فکر کردن که عبارت است از ترتیب دادن امور معلوم برای رسیدن به امور مجهول.

۱-۲-۵-۲- **احساس:** تاثیر پذیری از محیط و تعقل فرد بر اساس استفاده از قوای حسی صورت می پذیرد؛ در واقع می توان به واقعیت مورد نظر پی برد.

۱-۲-۵-۳- **عقل:** عقل یعنی قوه تفکر و اندیشیدن. به عقیده فلاسفه، انسان کامل انسانی است که رفتارش بر اساس عقل باشد.

۱-۲-۵-۴- **ایمان و اعتقاد:** یکی از نیازهای اساسی بشر اعتقاد و ایمان است و بی توجهی به آن در روان و رفتار بشر موجب عدم تعادل می شود. به طور کلی هر نیازی که برآورده نشود روان را دچار اضطراب و تنش می کند و در نتیجه موجب رفتار ناهنجار می گردد، لذا یکی از عوامل مهم اختلالات رفتاری و بیماریهای روانی ضعف اعتقاد و ایمان است. با تعاریف و مبانی فوق به تعریف و تحلیل رفتار یا رفتار شناسی می پردازیم.

۱-۲-۶- تحلیل رفتاری (رفتار شناسی)

تشریح و باز نمایی چرایی رفتار افراد، در به کار گیری الگوهای خاص رفتاری که در تمام عمر یا قسمتی از عمرشان تکرار می شوند یا ظهور و بروز پیدا می کنند.^۲

بخش دوم

۱- فرضیات

۱ + اهمیت خواص و عملکرد آنان از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه

وقتی موضوعی را می خواهیم در قرآن و نهج البلاغه بررسی کنیم، فقط به اوج نگاه نمی کنیم بلکه حسیض را هم باید ببینیم. رفتارها و داستانهایی که از خواص در قرآن و نهج البلاغه آمده است بیشتر با هدف عبرت آموزی و هدایت است. قرآن کریم، تاریخ را آینه ای می داند که در تمامی آن حوادث زشت و زیبا و تلخ و شیرین را می توان دید و از این حوادث الهام گرفت؛ سرنوشت آینده زندگی را با الهام از این آینه، نو یا

^۱ بهرام کارخانه ای، تحلیل رفتار مقابل، (تهران: انتشارات شهراب ۱۳۸۵)، ص ۳

^۲ همان، کارخانه ای، بهرام، ص ۴

انتخاب کرد، ستمگران و طاغوتیان و صالحان و سرنوشت آنها را دید و از انتخاب راه آنان سعادت خویش را تامین نمود. حدود دوازده بار در قرآن ترغیب و تشویق فراوان به «سیر در ارض» شده است. «سیر در ارض» در فرهنگ قرآن به معنای جهانگردی بی هدف و احياناً هدف اشباع غرایز حیوانی نیست بلکه به معنای بررسی حوادث تاریخی و دیدن جغرافیای حوادث به منظور «عبرت آموزی و هدایت» است.^۱

«قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ»^۲

«در این آیه شریفه رسول خدا (صلی الله علیه آله و سلم) را مامور می کند به اینکه به مردم دستور دهد در زمین سیر کنند، و سرانجام و آثار باقیمانده اقوام گذشته را ببینند، که چگونه خانه هایشان خراب گشته، و آثارشان محو شد، و تا آخرین نفر منقرض شدند، و نسلشان قطع گشت، و دچار انواع گرفتاریها و بلاها شدند، به خاطر اینکه بیشترشان مشرک بودند، پس خدا جزای بعضی کرده هایشان را به ایشان چشاند، تا شاید عبرت گیرندگان عبرت گیرند، و در نتیجه به سوی توحید برگردند.»^۳ جای دیگر می فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ»^۴ بگو: در روی زمین سیر کنید (و آثار گذشتگان را ببینید) پس بنگرید عاقبت کار مجرمان و گنهکاران به کجا رسید؟

در این آیات به دنبال تذکر به خیره سران صحبت از «سیر در ارض» شده است. قطعاً

هدف قرآن از این تاکید این نیست که ترغیب به جهانگردی تفریحی بدون انگیزه های والای انسانی بنماید. بلکه هدف این است که انسانها با این سیر، دل بیدار و چشم بینا پیدا کنند و در آینه حوادث گذشته راه درست را از نادرست بیابند.

در قرآن داستانهایی که ذکر شده، به هدف داستان سرایی محض نیست بلکه با هدف

ارایه رهنمود از رهگذر داستانهای سازنده است.

بر همین اساس است که در داستانهای قرآنی مطالبی مانند سن پیامبران، مکلفات، زمان وقایع اتفاقات و دیگر مطالبی که نقشی در هدایت انسانها ندارد، ذکر نشده است؛ بلکه جاهایی که نکته هدایتی و درس آموزی دارد مثل بت شکنی ابراهیم، عدم سکوت هارون در مقابل گوساله پرستی، انحراف برخی از زنان پیامبران، استقامت آسیه زن فرعون در دستگاه جور فرع و ن،

^۱ . سید احمد خاتمی، رسالت خواص، چاپ پنجم، (قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷) ص ۲۶

^۲ . سوره روم، آیه ۴۲

^۳ . سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، (ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی)، چاپ پنجم (قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴) جلد ۱۶ ص ۲۶۹

^۴ . سوره نمل، آیه ۶۹

استقامت و مهاجرت اصحاب کهف و... که پند آموزی از آنها برای حفظ ایمان موثر است، ذکر شده و در این تحقیق به آنها اشاره خواهد شد.

در نهج البلاغه نیز که کلام گرانبار امام علی (علیه السلام) با تاسی از قرآن مجید، بیان شده، رفتار بسیاری از خواص ذکر شده است، رفتار خواصی مانند زبیر، طلحه، عایشه، خلفای سه گانه، ابوموسی اشعری و ... باعث شد که امام خار در چشم و استخوان در گلو، خطبه های گوناگونی از جمله ششقیه^۱ را بخواند، و جاهایی که امام در فراق خواص اهل حقی چون مالک و عمار و یاران با وفایش ناله و فریاد بر می آورد «این عمار...»^۲ و آسیب و محاسن خواص را بر می شمارد. اینها تماما آینه های عبرت آموزی است برای جامعه اسلامی به خصوص تشیع که بتوانند از دید محتوای این آیات و روایات را بررسی کنند. آینه ای که عصاره تمام تجربیات اقوام پیشین و رهبران بزرگ در آن به چشم می خورد و با مشاهده آن تجربیات، عمر کوتاه انسان را به اندازه تمام بشر طولانی می کند.

۱-۱-۱- عبرت در حدیث

در احادیث مختلفی بر عبرت انسانها تاکید شده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه آله

وسلم)

در حدیثی می فرمایند:

«طوبی لمن کان نظره عبدا»^۳: خوش به حال کسی که نگاهش [به حوادث عالم] عبرت آمیز باشد.

امام صادق (علیه السلام) در حدیث دیگری تاکید بر نگاه عبرت آمیز دارند. «ولیکن نظر

کم عبدا»^۴: نگاهتان [به دنیا و حوادث آن] عبرت آمیز باشد.

علی (علیه السلام) در مورد تجربه آموزی از عبرتها می فرمایند:

«... کفی عبدا لذوی الالباب ماجربوا»^۱: کافی است که خردمندان از تجاربی که آموخته

اند عبرت گیرند و آنها را سرمشق آینده خویش قرار دهند.

^۱ نهج البلاغه، خطبه ۳

^۲ نهج البلاغه، خطبه ۱۸۱

^۳ ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)، امالی، چاپ پنجم، (بیروت: ناشر اعلمی، ۱۴۰۰ق) ص ۲۸ و محدث عاملی، تفصیل وسایل

الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، (قم: نشر آل البیت، ۱۴۰۹ق). جلد ۱۲ ص ۱۹۸

^۴ حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، چاپ اول، (قم: انتشارات آل علی (ع)، ۱۳۸۲) ص ۳۹۰ محمدباقر مجلسی،

بحار الانوار الجامعة الدرر الاخبار. (تهران: نشر اسلامی، بی تا) جلد ۱ ص ۱۴۲

در جای دیگر از سفارشهای پروردگار به پیامبر آمده است: «...ونظری عبرا»^۲ که نگاهم عبرت آمیز باشد.

عبرت باعث افزایش بصیرت می شود: «من اعتبر ابصر ومن ابصر فهم ومن فهم علم»^۳: هر کس از گذشتگان عبرت گیرد بینا می شود و کسی که بینایی و بصیرت پیدا کرد، می فهمد و آن کسی که فهمید، عالم می شود.

در مسافرتها انسان باید نگاه عبرت آموز داشته باشد و از خداوند نگاه عبرت بین طلب کند. از یکی از صادقین (علیه السلام) نقل شده: «اذا كنت في السفر فقل اللهم اجعل مسیری عبرا و صمتی تفکرا و کلامی ذکرا»^۴ خدایا سیر و گردش من را برایم عبرت و سکوت را تفکر و کلامم را ذکر قرار ده!

واحدیث فراوان دیگری که بر این موضوع تاکید دارند و شاید این همه تاکید به خاطر، فراموشی و از یاد بردن عبرتهاست.

۱-۲- آیا خواص در تحولات اجتماعی نقش داشته اند؟ میزان نقش آنان چقدر بوده است؟

میزان نقش خواص به گونه ای بوده است که قرآن به نقش افرادی که در تحول جوامع نقش داشتند اشاره می فرماید، نمونه بارز آن سامری از قوم حضرت موسی (علیه السلام) که باعث انحراف بنی اسرائیل از یگانه پرستی به گوساله پرستی شد. واحبار و روحانیون و رهبانونی که با سکوت خود، زمینه بیشتر انحراف در بنی اسرائیل گردیدند یا برعکس خواصی مانند آسیه زن فرعون کسانی هستند که به عنوان اسوه مقاومت در همیشه تاریخ می درخشند.

در امت اسلام نیز عملکرد خواص بعد از پیامبر باعث شکاف بین صفوف مسلمانان شد و دو گروه «شیعه» و «سنی» شکل گرفت. هواخواهان و پیروان علی علیه السلام نظر به نص صریح پیامبر و مقامی که آن حضرت پیش پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و صحابه و مسلمانان

^۱ . عبدالحمید بن هبه الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، چاپ (اول)، (قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی،

۱۴۰۴ق) جلد ۲۰ ص ۲۷۳ و محمد تقی فلسفی، الحدیث، بی جا، (تهران: دفتر نشر اسلامی، ۱۳۶۸)، جلد ۲ ص ۳۶۴

^۲ . ابن شعبه حرانی، همان، ص ۳۶ و ابوالفتح کراچی، کنز الفوائد، چاپ اول، (قم: نشر دار الذخائر، ۱۴۱۰ق)، جلد ۲ ص ۱۲

^۳ . حسین بن محمد حلوانی، نزهة الناظر و تنبيه الخواطر، چاپ اول، (قم: مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۸ق) ص ۵۱ و همان، فلسفی،

ص ۲۶۵

^۴ . محمد بن علی ابن بابویه، (صدوق)، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، (قم: نشر جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق) جلد ۲ ص ۲۷۴

داشت مسلم می دانستند که خلافت و ولایت پس از رحلت پیغمبر اکرم از آن علی (علیه السلام) می باشد و ظواهر اوضاع و احوال نیز جزء حوادثی که در روزهای بیماری پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به ظهور پیوست نظر آنان را تأیید می کرد. ولی برخلاف انتظار آنان، درست هنگامی که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رحلت فرمود و هنوز جسد مطهرش دفن نشده بود و اهل بیت و عده ای از صحابه سرگرم تجهیز کفن و دفن رسول الله بودند خبر یافتند عده ای دیگر - که بعداً اکثریت را بردند - با کمال عجله و بی آنکه با اهل بیت و خویشاوندان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و هواداران ایشان مشورت کنند و حتی کمترین اطلاعی بدهند، از پیش خود در قیافه خیرخواهی، برای مسلمانان خلیفه معین نموده اند و علی و یارانش را در برابر کاری انجام یافته قرار داده اند. علی (علیه السلام) و هواداران او مانند عباس و زبیر و سلمان و ابوذر و مقداد و عمار پس از فراغ از دفن پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اطلاع از جریان امر در مقام انتقاد برآمده به خلافت انتخابی و کارگردانان آن اعتراض نموده اجتماعاتی نیز کرده اند ولی پاسخ شنیدند که صلاح مسلمانان در همین بود؛ این انتقاد و اعتراف بود که اقلیتی را از اکثریت جدا کرد و پیروان علی (علیه السلام) را به همین نام (شیعه علی) به جامعه شناسانید و دستگاه خلافت نیز به مقتضای سیاست وقت، مراقب بود که اقلیت نامبرده به این نام معروف نشوند و جامعه به دو دسته اقلیت و اکثریت منقسم نگردد بلکه خلافت را اجماعی می شمردند و معترض را متخلف از بیعت و متخلف از جماعت مسلمانان می نامیدند و گاهی با تعبیرات زشت دیگر یاد می کردند. البته شیعه همان روزهای نخستین، محکوم سیاست وقت شده نتواست با مجرد اعتراض، کاری از پیش ببرد و علی علیه السلام نیز به منظور رعایت مصلحت اسلام و مسلمین و نداشتن نیروی کافی دست به یک قیام خونین نزد، ولی جمعیت معترضین از جهت عقیده تسلیم اکثریت نشدند و جانشینی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و مرجعیت علمی را حق طلق علی (علیه السلام) می دانستند و مراجعه علمی و معنوی را تنها به آن حضرت روا می دیدند و به سوی او دعوت می کردند.^۱

۱-۲-۱- روش سیاسی خلافت انتخابی و مغایرت آن با نظر شیعه

«شیعه» معتقد بود که شریعت آسمانی اسلام که مواد آن در کتاب خدا و سنت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روشن شده تا روز قیامت به اعتبار خود باقی و هرگز قابل تغییر نیست و حکومت اسلامی با هیچ عذری نمی تواند از اجرای کامل آن سرپیچی نماید، تنها وظیفه

^۱ . سید محمد حسین طباطبایی، شیعه در اسلام، چاپ سیزدهم، (قم: دفتر نشر اسلامی، ۱۳۷۸) صص ۳۱ و ۳۲

حکومت اسلامی این است که با شورا در شعاع شریعت به سبب مصلحت وقت، تصمیماتی بگیرد ولی در این جریان، به علت بیعت سیاست آمیز شیعه و همچنین از جریان حدیث دوات و قرطاس که در آخرین روزهای بیماری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اتفاق افتاد، پیدا بود که گردانندگان و طرفداران خلافت انتخابی معتقدند که کتاب خدا مانند یک قانون اساسی محفوظ بماند ولی سنت و بیانات پیغمبر اکرم را در اعتبار خود ثابت نمی دانند بلکه معتقدند که حکومت اسلامی می تواند به سبب اقتضای مصلحت، از اجرای آنها صرف نظر نماید.^۱ و این نظر با روایتهای بسیاری که بعداً در حق صحابه نقل شد (صحابه مجتهدند و در اجتهاد و مصلحت بینی خود اگر اصابت کنند مأجور و اگر خطا کنند معذور می باشند) تأیید گردید و «نمونه بارز آن وقتی اتفاق افتاد که خالد بن ولید یکی از سرداران نظامی ابوبکر، شبانه در منزل یکی از معاریف مسلمانان (مالک بن نویره) مهمان شد و مالک را غافلگیر نموده، کشت و سرش را در اجاق گذاشت و سوزانید و همان شب با زن مالک همبستر شد! و به دنبال این جنایتهای شرم آور، خلیفه به عنوان اینکه حکومت وی به چنین سرداری نیازمند است، مقررات شریعت را در حق خالد اجرا نکرد.»^۲

همچنین «خمس را از اهل بیت و خویشان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بریدند و نوشتن احادیث پیغمبر اکرم بکلی ممنوع شد و اگر در جایی حدیث مکتوب کشف یا از کسی گرفته می شد آن را ضبط کرده می سوزانیدند و این ممنوعیت در تمام زمان خلفای راشدین تا زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز خلیفه اموی استمرار داشت»^۳ و در زمان خلافت خلیفه دوم این سیاست روشنتر شد و در مقام خلافت، عده ای از مواد شریعت را مانند متعه حج و نکاح متعه و گفتن (حی علی خیرالعمل) در اذان نماز ممنوع ساخت و نفوذ سه طلاق را دایر کرد.

در خلافت وی بود که بیت المال در میان مردم با تفاوت تقسیم شد که بعداً در میان مسلمانان اختلاف طبقاتی عجیب و صحنه های خونین دهشتناکی به وجود آورد و در زمان وی معاویه در شام با رسومات سلطنتی کسری و قیصر حکومت می کرد و عثمان او را کسرایی عرب می نامید و متعرض حالش نمی شد.

عمر به سال ۲۳ هجری قمری به دست غلامی ایرانی کشته شد و طبق رأی اکثریت شورای شش نفری که به دستور خلیفه منعقد شد، خلیفه سوم زمام امور را به دست گرفت . وی

^۱ سید مرتضی عسکری، سقیفه، چاپ ششم، (تهران: انتشارات علامه عسکری، ۱۳۸۹)، ص ۳۶

^۲ سید عبدالحسین شرف الدین، اجتهاد در مقابل نص، (ترجمه علی دوانی)، چاپ نهم، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳)، ص ۱۷۶

^۳ ر.ک: سید محمد حسین حسینی تهرانی، امام شناسی، چاپ سوم، (مشهد: نشر علامه طباطبایی، ۱۴۲۶ق) جلد ۱۳، ص ۱۶۰

در عهد خلافت خود خویشاوندان اموی خود را بر مردم مسلط ساخته در حجاز و عراق و مصر و سایر بلاد اسلامی زمام امور را به دست ایشان سپرد ایشان بنای بی بندوباری گذاشته آشکارا به ستم و بیداد و فسق و فجور و نقض قوانین جاریه اسلامی پرداختند، سیل شکایتها از هر سوی به دارالخلافت سرازیر شد، ولی خلیفه که تحت تأثیر قوم و خویشان اموی خود و خاصه مروان بن حکم قرار داشت، به شکایتهای مردم ترتیب اثر نمی داد بلکه گاهی هم دستور تشدید و تعقیب شاکیان را صادر می کرد و بالاخره به سال ۳۵ هجری، مردم بر وی شوریدند و پس از چند روز محاصره و زد و خورد، وی را کشتند.

عثمان در عهد خلافت خود حکومت شام را که در رأس آن از خویشاوندان اموی او معاویه قرار داشت، بیش از پیش تقویت می کرد و در حقیقت سنگینی خلافت، در شام متمرکز بود و تشکیلات مدینه که دارالخلافت بود جز صورتی در بر نداشت. خلافت ابوبکر در سقیفه بنی ساعده و بیعت گیری سیاستمداران از روسای قبایل او س و خزرج و سایر صحابه انجام و دگرگونی تاریخ اسلام شروع شد. عمر خلیفه دوم با وصیت ابوبکر و خلیفه سوم عثمان با شورای شش نفری که اعضا و آیین نامه آن را خلیفه دوم تعیین و تنظیم کرده بود، مستقر شد.

۱-۲-۲- ممنوعیت کتابت حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

روی هم رفته سیاست سه خلیفه که ۲۵ سال خلافت کردند در اداره امور این بود که قوانین اسلامی بر طبق اجتهاد و مصلحت وقت که مقام خلافت تشخیص دهد، در جامعه اجرا شود و سیاست ایشان در معارف اسلامی این بود که تنها قرآن بی اینکه تفسیر شود یا مورد کنجکاوی قرار گیرد خوانده شود و بیانات پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) (حدیث) بی اینکه روی کاغذ بیاید روایت شود و از حدود زبان و گوش تجاوز نکند.

کتابت، به قرآن کریم انحصار داشت و در حدیث ممنوع بود پس از جنگ یمامه که در سال دوازده هجری قمری خاتمه یافت و گروهی از صحابه که قاری قرآن بودند در آن جنگ کشته شدند، عمر بن الخطاب به خلیفه اول پیشنهاد می کند که آیات قرآن در یک مصحف جمع آوری شود، وی در پیشنهاد خود می گوید اگر جنگی رخ دهد و بقیه حاملان قرآن کشته شوند، قرآن از میان ما خواهد رفت، بنابراین، لازم است آیات قرآنی را در یک مصحف جمع آوری کرده به قید کتابت در بیاوریم، این تصمیم را در باره قرآن کریم گرفتند با اینکه حدیث پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که تالی قرآن بود نیز با همان خطر تهدید می شد و از مفساد نقل به معنا و زیاده و نقیصه و جعل و فراموشی در امان نبود ولی توجهی به نگهداری حدیث نمی شد